وحال آنکه برای خود داشتن دختر را عار میدانند .

تمرین

۱ - ملائکه را تعریف کنید .

۲ - آیت های را که در بارهٔ ملائکه خوانده اید قرائت وترجمه نمائید .

ایمان به کتابهای الله (ج)

وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ [1]

ترجمه : ومؤمنان ایمان می آرند به آنچه فرود آورده شده بسوی تو وآنچه فرود آورده شده پیش از تو .

سوم چیزیکه انسان مکلف است بآن ایمان داشته باشد کتاب های الله (ج)، اند . ما باید ایمان وعقیده راسخ داشته باشیم براینکه تمام کتب آسمانی که از طرف خداوند متعال برای رهنمائی بندگان نازل گردیده همه کلام خداوند تعالی بوده وراست میباشد .

درکتب آسمانی راه های سعادت دینوی واخروی بیان گردیده است

---

(1) سورة النساء آیه (162)

که بندگان مطابق آن عمل نموده تا به پیروزی وسعادت دارین نایل گردند .

کتاب های خداوند (ج) بطریق وحی بر انبیاء علیهم السلام - نازل گردیده اند. چنانچه الله جل جلاله فرموده است :

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ (۱)

ترجمه : ما وحی فرستادیم بسوی تو چنانچه وحی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبرانیکه بعد از وی بودند .

وحی : وحی در شرع کلام و پیغام خدا (ج)، است که بر نبی خود نازل می کند ، چنانچه الله (ج) ، بر انبیاء سابقه و بر حضرت محمد (ص) وحی نازل کرده است. پس کسیکه وحی سابقه را پذیرفته باید وحی بر

---

(۱) سورة النساء آیه (۱۶۳)

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را نیز قبول کند. و هر که این وحی را نمی پذیرد گویا از وحی سابقه انکار می نماید. وحی گاهی بواسطهٔ فرشته بصورت پیغام وگاهی بطور کتاب نوشته وگاهی بدون واسطهٔ فرشته نازل میگردد.

چون تمام کتب نازل شده بر انبیا(ع) وحی است پس ایمان آوردن به همه آن ها فرض است. واین سخن یهود (که گفتند: وقتی بتو ایمان می آوریم که مانند تورات دفعتاً کتابی را از آسمان برای ما بیاری) کمال بی ایمانی وحماقت است. وحی از جانب خدا ج، است که نزول آن بصورت های مختلفه تحقق یافته، پس انکار از آن کفر صریح است.

تمرین

۱ ـ برای اثبات لزوم ایمان به کتاب های خداوند (ج)، یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ ـ کتاب های خداوند (ج)، چطور بر انبیاء علیهم السلام نازل گردیده اند ؟

۳ ـ وحی را تعریف نمائید .

ایمان به پیغمبران علیهم السلام

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِيمًا ٥ (١)

ترجمه
و کسانیکه ایمان دارند به خدا و پیغمبرانش و تفرقه نکرده اند میان هیچ یک از ایشان این گروه زود می دهد ایشان را خدا ثواب شان را و هست خدا آمرزگار مهربان .

چهارم چیزیکه انسان بران مکلف است ایمان داشتن بر پیغمبران علیهم السلام است . ما باید ایمان و عقیدهٔ راسخ داشته باشیم

---

(١) سورة النساء آیه (١٥٢)

که الله تبارک وتعالیٰ در هر عصر و زمان برای هدایت و رهنمائی بشر از جملهٔ خود ایشان پیغمبران علیهم السلام را فرستاده است. اولین پیغمبر حضرت آدم علیه السلام و آخرین ایشان حضرت محمد صلی الله وسلم است. تمام پیغمبرانیکه از حضرت آدم علیه السلام تا آنحضرت خاتم النبیین مبعوث گردیده اند، به هر تعدادیکه باشند، همه حق هستند.

تعداد انبیاء علیهم السلام بطور محقق ویقین معلوم نیست. امّا در بعضی[1] احادیث تعداد ایشان یک لک وبیست وچهار هزار ذکر شده است.

تمام پیغمبران احکام و اوامر خداوند (ج)، را موافق هدایت و رهنمائی خداوند (ج) بدون تغییر به اُمتهای خویش رسانیده اند. همهٔ ایشان به صداقت و امانت داری موصوف هستند. از کذب، خیانت و تمام معاصی قبل از نبوت و بعد از نبوت پاک ومعصوم اند. خداوند

---

(۱) شرح العقاید النسفیه صفحه ۱۰۱

تعالی پیغمبران را مسلسل موافق حکمت خویش فرستاده که مؤمنان را مژده دهند و کافران را بترسانند تا مردم را در روز قیامت عذری نماند و گفته نتوانند که ای خداج، ما اسباب رضا و قهر ترا نمیدانستیم ورنه قدمی برخلاف رضای تو نمی رفتیم پس وقتیکه خداوند تعالی پیغمبران را با معجزات فرستاده و پیغمبران دین حق را به مردم تبلیغ کردند دیگر در عدم قبول دین حق برای هیچ کس عذری باقی نمی ماند .

ایمان و عقیده کردن به تمام پیغمبران علیهم السلام بدون کدام فرق لازم و ضروری است ، وکسانیکه در ایمان آوردن دربین پیغمبران علیهم السلام فرق می کنند، مانند یهود و نصاری که به بعضی پیغمبران علیهم السلام ایمان دارند و به بعضی ایشان ایمان ندارند کافر هستند و برای آنها عذاب خداوند ج ، ثابت است .

کسانیکه در ایمان آوردن دربین پیغمبران علیهم السلام فرق نکرده اند بلکه به خداج ، و همه پیغمبران وی ایمان آوردند خداج ،

برحمت خویش ثواب عظیم بایشان عطا می کند .

باید واضح گردد که عدم فرق بین پیغمبران (ع) در ایمان آوردن و نفس رسالت است، امّا در مرتبه بعضی ایشان بر بعضی دیگر فضیلت دارند، چنانچه الله (ج) ، فرموده است :

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۘ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ اللَّهُ ۖ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۚ [1]

ترجمه: این پیغمبران فضیلت دادیم بعضی ایشان را بر بعضی ، از ایشان کسی است که با وی سخن گفت خدا (ج) ، وبلند کرد بعضی ایشانرا در مرتبه ها. مانند حضرت خاتم النبیین محمد صلی الله علیه وسلم [2] که اورا خداوند به مرتبه ها بلند ساخته و به تمام مردم فرستاده و پیغمبری اورا به انس وجن عام واورا سردار وامام انبیاء گردانیده و با دین وی همه ادیان را منسوخ کرده است.

---

(۱) سورهٔ بقره آیه (۲۵۳)

(۲) جلالین ص ۳۹ ، حاشیه (۱۰)

تمرین

۱ - برای اثبات لزوم ایمان به پیغمبران علیهم السلام یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ - در باره پیغمبران علیهم السلام باید چه قسم ایمان و عقیدهٔ داشته باشیم ؟

۳ - حکم کسانیکه در ایمان بین پیغمبران فرق می کنند چیست ؟

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله وصحبه أجمعين.

أما بعد : وما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحي إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون ٥ (١)

و نه فرستاده ایم پیش از تو هیچ پیغمبری مگر وحی می فرستادیم بسوی او که نیست هیچ معبود برحق غیر من پس پرستش کنید مرا .

---

(١) سورة الأنبياء ، آية (٢٥).

ایمان به روز آخرت

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ[1]

ترجمه: و آنکه قیامت آمدنی است نیست هیچ شبه در آن و آنکه خدا برانگیزد آنانرا که در قبوراند .

پنجم : چیزیکه انسان مکلف است بآن ایمان و عقیده داشته باشد روز آخرت است که آنرا روز قیامت نیز میگویند .

ما باید ایمان و عقیده داشته باشیم براینکه روز قیامت آمدنی است و بعد از زندگی دنیا حیات دیگری آمدنی است زیرا که این نظام بزرگ مخلوقات لغو و بیکار نمیتواند شد .

آیا تصور کرده میشود که حکیم و قادر مطلق با حکمت بالغه و قدرت کاملهٔ خود انسان را با این همه صفات عجیب و غریبی که به او ارزانی

---

(۱) سورهٔ الحج، آیه ۷ .

داشته عبث آفریده باشد ؟ هرگز نی . یقیناً این زندگی محدود
انسان که درآن سعادت وشقاوت، نیکی وبدی ، رنج و راحت ،
همه موجودند وبعضی انسانها بربعضی دیگرظلم می نمایند، وواضح است
که دراکثر اوقات انتقام مظلوم ازظالم گرفته نمیشود واگراحیاناً گرفته هم
شود البته بطور تکمیل نخواهد بود ، پس باید یکروز ویک زندگی دیگر هم
باشد تا درآنجا سعید وشقی ، مجرم وبی گناه ازهم جدا وهر یک به
مکافات و مجازات اعمال خوب وبدخویش رسیده وانتقام مظلوم
ازظالم بطورکامل گرفته شود، وآن روزعبادت است از روزگار
آخرت ،که درآن روز ازتجلی ونور بلاکیف حق تعالی زمین محشر درخشان
گردیده ، دفتر محاسبه باز ونامه های اعمال مردم پیش آنها گذاشته
میشود، انبیاء (ع) وگواهان دیگر به دربار اوتعالی حاضرگردیده شاهدی
می دهند و درمورد هرشخصی به کمال انصاف فیصله صحیح و درست صادر
گردیده برهیچکس هیچ نوع تعدی وظلم کرده نمیشود .

تمرین

۱ - برای اثبات روز آخرت یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ - ما باید بروز قیامت چه قسم ایمان داشته باشیم تشریح نمائید .

۳ - در روز آخرت درباره ظالم و مظلوم ، سعید و شقی چگونه فیصله بعمل می آید ؟

ایمان به قضا و قدر

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ۝ سورة القمر آیه (۴۹)

ترجمه : هر آئینه ما هر چیز را پیدا کردیم پیشتر اندازه کرده شده .

مثنوی (۱)

چون قضا بیرون کند از چرخ سر عاقلان گردند جمله کور و کر

حکم تقدیرش چو آید بی وقوف عقل چه بود در قمر افتد خسوف

* * *

ششم چیز یکه انسان مکلف است بر آن ایمان داشته باشد قضا و قدر است که هر دو از صفات ازلی بلا کیف خدا (ج)، و از متشابهات[2] اند، در شرع شریف انسان با ایمان از بسیار بحث و مباحثه در آنها نهی شده است .

---

(۱) از مثنوی مولانای بلخی رومی

(۲) ابو المنتهی ص ۲۸

ما باید ایمان و عقیدهٔ راسخ داشته باشیم براینکه هر چیزیکه در
دنیا بوجود آمده و یا خواهد آمد و تمام اعمال و کارهای نیک و بد
بنده گان حتی ایمان و کفر ایشان به قضا و قدر خداوند تعالی است که
است که الله تعالی به همهٔ آنها از روز ازل علم کامل دارد و
در لوح محفوظ، بصفت اخبار نه بصفت حکم ثبت است و موافق علم ازلی
خداوند به ظهور می آیند .

قضا : قضا در لغت به معنی تمام کردن شیئ است و در اصطلاح
عبارت از فعل است که دارای قوت و محکمی زیاد بوده و برای
هیچ کس تغیر آن ممکن نباشد .

قدر : در لغت به معنی اندازه کردن است و در اصطلاح
تحدید و اندازهٔ ازلی خداوند تعالی است . تمام مخلوقات را با تمام
کم و کیف آن از حسن و قبح ، نفع و ضرر و غیره که با آن موجود میشوند.
بعضی علمای اهل سنت می گویند : که قضا و قدر در شریعت عبارت

اند از ثبت علم ازلی خداوند ج، در لوح محفوظ . باید دانست که اهل سنت ایمان دارند به قضا و قدر الله ج، و قائل اند باینکه خیر و شر، نفع و ضرر همه به قضا و قدر خداوند ج، است و بنده گان در افعال خود مختار اند لذا ثواب داده میشود ایشانرا به طاعت و عذاب داده میشود ایشانرا بر معصیت . بنا بر دلیل فوق عقیدهٔ جبریه الذکر که میگویند : بنده را هیچ قدرت و اختیار نیست بلکه وی مانند جماد بی اراده است که بر فعل خیر وی ثواب و بر فعل شر وی عقاب مرتب نمیگردد، باطل است. وهمچنین نصوص قطعی نفی این مذهب را مینماید چنانچه الله ج، فرموده است :

جَزَآءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ (1)

ترجمه: پاداش داده میشوند بر حسب آنچه می کردند. وقوله تعالی

---

(1) سورهٔ الاحقاف آیهٔ ١٤ .

فَمَنْ شَآءَ فَلْيُؤْمِنْ وَّمَنْ شَآءَ فَلْيَكْفُرْ ۚ (۱)

ترجمه: پس هرکه خواهد ایمان آرد و هرکه خواهد کافر شود .

پس ثابت شدکه بنده هر عملی راکه می کند دراجرای آن برایش اختیار است .

ویا به عبارت دیگر: درعمل بنده فاعل وکاسب فعل است و پیدا کننده فعل الله تعالی میباشد. فعل بنده را به اعتبار - نسبت آن به قدرت حق تعالی خلق وایجاد، و به اعتبار نسبت آن به قدرت بنده کسب واکتساب می گویند وجمیع افعال واعمال بنده گان مانند حرکت، سکون، کفر، ایمان، طاعت عصیان همه درحقیقت کسب ایشان ومخلوق خداوند تعالی اند . قضا وقدر خداوند تعالی قدرت واختیار بنده راسلب نمی نماید

---

(۱) سورة الکهف آیة ۲۹

زیرا خداوند تعالی اشیا را در لوح محفوظ بطریق حکم نی بلکه بطریق اخبار ثبت کرده است . مثلاً نوشته کرده که زید باختیار خود مؤمن و عمر باختیار خود کافر می باشد .

بخاطر وضاحت این موضوع می گوئیم اگر ما از پروگرام کاریکروزهٔ یک شخص قبلا خبر داشته باشیم و آنرا در دفتر یاد داشت خویش ثبت نمائیم ، آیا اطلاع قبلی وثبت آن در دفتر ما بر آن شخص کدام جبر را وارد می نماید ؟ طبعاً نه .

تمرین

۱ ـ قضا و قدر را تعریف نمائید .

۲ ـ قضا و قدر از کدام قسم صفات خداوند ج ، میباشند ؟

۳ ـ ما باید در بارهٔ قضا و قدر چه قسم عقیده داشته باشیم ؟

٤ ـ دلیل بطلان عقیدهٔ جبریه را بیان نمائید .

۵ ـ فعل بنده را نسبت بقدرت حق تعالی چه می نامند ؟

٦ ـ فعل بنده را نسبت به قدرت بنده چه می گویند ؟

صفات الله (ج)

صفات الله (ج) بر دو قسم اند :

صفات ذاتی و صفات فعلی . این دو قسم صفات در صنوف قبلی تشریح گردیده اند و همچنین در صفات الله (ج) ، یک تقسیم دیگر هم وجود دارد که آنرا صفات ثبوتی و سلبی می گویند و قرار ذیل تشریح میگردد:

۱ — صفات ثبوتیهٔ الله تعالی

صفات ثبوتیه الله (ج) ، صفاتی اند که ثبوت آنها برای الله (ج) ضروری است . مانند حیات ، قدرت ، علم ، کلام ، سمع بصر ، اراده وغیره ، که همهٔ ایشان برای الله تعالی ثابت بوده ازلی و قدیم اند ، و این صفات را صفات کمالیه نیز می گویند زیرا

تعریف، موضوع و غرض علم عقاید

تعریف علم عقاید : علم عقاید، علمی است که در آن از عقاید حقهٔ اسلامی با دلایل یقینی موافق شرع شریف بحث کرده میشود . (۱)

موضوع علم عقاید : موضوع علم عقاید، ذات وصفات الله (ج) وآنچه مربوط به ذات وصفات او تعالی است ، میباشد .

غرض علم عقاید : غرض علم عقاید صحت عقیدهٔ اسلامی است که به آن سعادت دنیا و آخرت حاصل میگردد .

ایمان به الله جل جلاله

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲)

---

(۱) ابوالمنتهی ص ۳ حاشیهٔ ۵ . (۲) سورهٔ التغابن آیهٔ ۸ .

که این صفات برای کمال ذات او تعالی ضروری اند .

۱ ـ حیات[1] : حیات صفت ازلی خداوند (ج) ، است که صحت علم را (برای موصوف خود) واجب مینماید .

۲ ـ قدرت : قدرت صفت ازلی خداوند (ج) ، است که حین تعلق به مقدورات در آنها تاثیر می کند .

۳ ـ علم : علم صفت ازلی خداوند (ج) ، است که حین تعلق به معلومات برای موصوف خود معلومات را کشف می نماید .

٤ ـ کلام : کلام صفت ازلی خداوند (ج) ، است که به ذات او تعالی قائم بوده و نظمیکه مسمی به قرآن و مرکب از حروف است کلام لفظی بوده که دال بر کلام نفسی او تعالی میباشد .

۵ ـ سمع : سمع صفت ازلی خداوند (ج) ، است که تعلق میگیرد به مسموعات و او تعالی به این صفت قدیم خود تمام مسموعات را میشنود .

---

(۱) شرح عقاید نسفیه ص۴۲

۶ - بصر : بصر صفت ازلی خداوند (ج) است که تعلق میگیرد به مبصرات و او تعالی باین صفت قدیم خود تمام اشکال و رنگها را می بیند .

۷ - اراده : اراده صفت ازلی خداوند (ج) است که او تعالی باین صفت قدیم خود یکی از مقدورین (فعل و ترک) را بوقوع در یکی از اوقات ترجیح میدهد . تمام صفاتیکه قبلاً تشریح شد ثبوت آنها برای خداوند تعالی ضروری و سلب آنها از خداوند (ج) محال است .

تمرین

۱ - صفات ثبوتیه الله جل جلاله را تعریف نمائید .

۲ - صفات ثبوتیه را چرا صفات کمالیه میگویند ؟

۳ - حیات را تعریف نمائید .

۴ - اراده را تعریف کنید .

۲- صفات سلبیهٔ الله تعالی

صفات سلبیه الله (ج)، صفاتی اند که ثبوت آنها برای خداوند تعالی محال و سلب آنها ضروری است، خداوند (ج) ازین قسم صفات پاک و مبری است.

مثلاً خداوند (ج)، از جهت، مکان، جسم، جوهر و عرض پاک و منزه است.

۱ - خداوند (ج)، از تمام جهات مانند فوق، تحت، طرف راست، طرف چپ وغیره منزه است.

۲ - برای خداوند (ج)، وجود مکان محال است. زیرا که اگر برای خداوند (ج)، جهت و مکان باشد پس باید جهت و مکان وی قدیم باشند و قدیم بدون ذات واجب تعالی نیست، و همچنین متمکن به مکان احتیاج

دارد و احتیاج منافی ذات واجب الوجود است .

پس ثابت شد که خدا (ج) از جهت و مکان پاک و منزه است.

۳ - خداوند (ج) جسم نیست ، زیرا اگر خداوند تعالی دارای جسم باشد باید مکان داشته باشد و خداوند (ج) از مکان پاک است. و همچنین جسم تقسیم را قبول می نماید و هر آنچه تقسیم را قبول می نماید حادث است و او تعالی از حدوث پاک و منزه است .

٤ - خداوند تعالی جوهر[1] نیست زیرا که جوهر محل عوارض و حوادث است و او تعالی از آن پاک است .

۵ - عرض : خداوند تعالی عرض نیست زیرا که عرض در وجود به غیر محتاج است و او تعالی از احتیاج پاک است .

---

(۱) ابوالمنتهی ص ۲۰ .

تمرین

۱ ـ صفات سلبیه الله (ج) را تعریف نمائید .

۲ ـ خداوند (ج) چرا از جهت و مکان پاک و منزه است؟

۳ ـ خداوند (ج) چرا جسم نیست ؟

٤ ـ خداوند (ج) چرا جوهر و عرض نیست ؟

تمام اسمأ وصفات

الله ج

ازلی و ابدی اند

تمام اسماء[1] وصفات الله (ج)، ازلی و ابدی اند که آنها اول و آخر نیست. زیرا اگر برای الله (ج)، کدام صفت جدید ثابت شود و یا از او تعالی کدام صفت زائل گردد، درین صورت (عیاذاً بالله) خداوند تعالی قبل از حدوث این صفت و یا بعد از زوال آن ناقص بوده، و این محال است، زیرا که خداوند (ج)، از عیوب و نواقص

---

(۱) ابو المنتهی ص ۱۵، ۱٦.

پاک و مبری است. پس ثابت گردید که برای الله (ج)، کدام اسم وصفت جدید ثابت نمیشود بلکه الله (ج)، با تمام اسماء وصفات خود قدیم، ازلی وابدی است.

الله (ج) فاعل مختار است

لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُوْنَ ۝

ترجمه: پرسیده نمیشود "خداوند" "از آنچه می کند وایشان باز خواست میشوند.

الله (ج)، فاعل مختار است. هرچه اراده نماید آنرا می کند، قدرت واراده او تعالی را احدی باز داشته نمیتواند، زیرا که وی مالک حقیقی، معبود برحق وصاحب قوت وقدرت است، مالکیکه در ملک خود هرقسم تصرف نماید هیچ اعتراض بروی وارد نمی گردد.

آری تنها ذات کبریائی حق دارد که بندگان را مؤاخذه نماید
واز ایشان بازخواست کند. چنانچه الله (ج)، درسورهٔ المائده فرموده
است:

يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَآ أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا
عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ [1] ۝

ترجمه: یادکن آن روزیکه جمع کند خدا پیغمبران را پس
بگوید: چه جواب داده شده بود شمارا؟ گویند: هیچ خبری نیست ما را
هرآئینه توئی بسیار دانا بر امور پنهانی » این سوال درمحشر درمحضر تمام
اُمم از پیغمبران کرده میشود.

---

(1) سورهٔ المائدة آیة (109)

الله تعالی شئ است نه مانند اشیاء (1)

لَیْسَ كَمِثْلِهٖ شَیْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ ۝ سورۂ شوری آیه (11)

ترجمه: نیست مانند او (خدا ج) چیزی واوست شنوا بینا.

الله (ج) شئ است نه مانند اشیاء وشئ نزد اهل سنت (2) بمعنی موجود است پس خداوند (ج) وجود دارد بذات وصفات خود، مگر او تعالی از مشابهت ومماثلت مخلوق بکلی پاک ومنزه است. یعنی نه در ذات چیزی مانند اوست ونه در صفات، زیرا که او تعالی

---

(1) قُلْ اَیُّ شَیْءٍ اَكْبَرُ شَهَادَةً ۖ قُلِ اللّٰهُ ۙ شَهِیْدٌۢ بَیْنِیْ وَبَیْنَكُمْ ۚ قف سورۂ الانعام آیه 19

ترجمه: بگو (چه چیز بزرگتر است در باب شهادت) کیست از همه بزرگتر گواه. بگو خداست. وی اظهار کننده حق است میان من ومیان شما.

(2) النبراس صفحه 577.

واجب الوجود است که وجود وی ضروری و عدم وی محال است
و دیگر اشیاء ممکن الوجود اند، که وجود و عدم آنها با هم مساوی و
برابر میباشد، (از وجود و عدم آن محال لازم نمیشود) .

خداوند تعالی بدون شک و شبهه هر چیز را می بیند و می شنود
مگر دیدن و شنیدن او تعالی مانند دیدن و شنیدن مخلوق نیست .

همه صفات کمال برای او تعالی (ج) ثابت است، اما هیچ کس کیفیت
آنرا درک کرده نمیتواند .

ترجمه:
پس ایمان آرید به الله و رسول او و به آن نوری که فرو فرستاده ایم
و خدا به آنچه می کنید خبردار است .

اولین چیزیکه انسان بآن مکلف است ایمان داشتن به ذات وصفات الله (ج) میباشد. یعنی اینکه به دل یقین و باور کند و بزبان اقرار، که خدا (ج)، موجود است، واحد است، شریک و مانند ندارد. بر هر چیز قادر است لایق عبادت و بندگی تنها همین ذات است بجز وی سزاوار بندگی کسی نیست. تمام کائنات و مخلوقات را او تعالیٰ خلق کرده و مالک همهٔ ایشان است. تمام ذیروح را او روزی میدهد وخودش نخوردن، نوشیدن وخواب کردن احتیاج ندارد. نی او را پدر است، نی پسر، نی دختر و نی زن. تمام مخلوقات محتاج او تعالیٰ هستند و خداوند تعالیٰ به کسی محتاج نیست و نه به چیزی احتیاج دارد، به تمام صفات کمال موصوف است و از تمام عیوب و نواقص پاک و مبرا است .

تمرین

۱ - چرا تمام اسماء وصفات الله تعالی ازلی وابدی اند ؟

۲ - از کدام آیت معلوم میشود که خداوند تعالی فاعل مختار است ؟

۳ - الله (ج) در روز جمع آوری از انبیاء چه می پرسد ؟

٤ - بکدام دلیل الله (ج) شئ است نه مانند آشیاء معلومات خودرا بیان کنید .

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم

بهترین بنده و رسول الله(ج) است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَنْزَلَ عَلٰی عَبْدِهِ الْکِتٰبَ وَلَمْ یَجْعَلْ لَّهٗ عِوَجًا ۝ [1]

ترجمه: همه ستایش آن خدای راست که فرو فرستاده بر بنده خود کتاب را و پیدا نکرده در وی هیچ کجی.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بهترین بنده و رسول الله (ج) است که خداوند جل جلاله بروی کتاب مقدس (قرآنکریم) را نازل و بدین وسیله مؤمنان را به بزرگترین نعمت مشرف و ممتاز نمود. آنحضرت

---

(1) سورة الکهف آیهٔ (1).

صلی الله علیه وسلم را بر تمام أنبیاء فضیلت داد چنانچه در قرآن کریم ،

فرمود :

وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ۝

ترجمه : ونه فرستادیم ترا مگر رحمت برای عالمیان .[1] چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم رحمت برای تمام عالمیان خوانده شده ثابت گردید که وی افضل وبهترین همهٔ ایشان میباشد .

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بنده خدا (ج) است . چنانچه الله (ج) در آیت مذکور و دیگر آیت ها وی را عبد (بنده) خویش گفته است . به نزد اهل معرفت عبودیت (بندگی) از شریف ترین صفت ها و از اعلی مراتب به شمار میرود و دوستان خداوند به آن فخر می نمایند . ابو سلیمان[2] قاسم انصاری (رح) فرموده است :

---

(۱) النبراس صفحه ٤٤٥ حاشیه ۲ .

(۲) ابو المنتهی صفحه ۵۲ وتفسیر روح المعانی سوره بنی اسرائیل .

وقتیکه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم درشب معراج بدرجات عالیه و

مراتب رفیعه رسید، خداوند (ج) به وی وحی نمود وفرمود: یا محمد!

به کدام چیز ترا شرافت وعزت بدهم؟ رسول خدا صلی الله علیه وسلم

گفت: یا ربّ! به بندگی خود، پس نازل کرد خدا جل جلاله:

سُبْحَانَ الَّذِیٓ اَسْرٰی بِعَبْدِهٖ لَیْلاً مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

اِلَی الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِیْ بٰرَکْنَا حَوْلَهٗ لِنُرِیَهٗ مِنْ

اٰیٰتِنَا ط .

ترجمه:

پاک است آنکه برد بندهٔ خود را شبی از مسجد حرام بسوی مسجد

اقصا که برکت نهادیم گرداگرد آن تا نشان دهیم اورا از نشانهای

خود، وحضرت رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرموده است[1]:

---

(۱) لا تطروني كما اطرى عيسى بن مريم عليه السلام وقولوا

عبده ورسوله. كذا في المشارق.

ابو المنتهى ص۵۳ .

تجاوز نه کنید در حق من چنانچه تجاوز کرده شده در حق عیسی (ع)، و بگوئید
در حق من که وی بنده و رسول خدا (ج) است.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم رسول الله است. دلیل بر آن
این قول خداوند جل جلاله است: مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ ۚ[1]
ترجمه: محمد رسول خداست همچنین در قرآن کریم به
آنحضرت صلی الله علیه وسلم نبی هم گفته شده است، چنانچه الله (ج)
فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ۚ[2]

(ای پیغامبر ترغیب کن مؤمنان را بر جنگ.

از حضرت جابر (رض) روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و
سلم فرموده است: من قائد رسولانم و نیست فخر و من خاتم النبین ام

---

(۱) سورهٔ الفتح آیه ۲۹.
(۲) سورة انفال - آیهٔ ۶۵

و نیست فخر و من نخستین شفاعت کننده و شفاعت قبول کرده شده ام و نیست فخر .

تمرین

۱ ـ حضرت محمد (ص) بکدام دلیل بهترین همه عالمیان است ؟

۲ ـ یک آیت را که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در آن عبد گفته شده شده است بخوانید و ترجمه نمائید .

۳ ـ ابو سلیمان قاسم انصاری (رح) در باره معراج چه فرموده است ؟

٤ ـ یک آیت را که آنحضرت صلی الله علیه وسلم در آن نبی گفته شده است بیان نمائید .

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم

خاتم النبیین است

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ اَبَآ اَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَّسُوْلَ اللّٰهِ وَخَاتَمَ النَّبِيّٖنَ ○

ترجمه: نیست محمد پدر هیچ یک از مردان شما ولکن پیغمبر خدا است و مهر تمام پیغمبران است. (بعد از وی هیچ پیغمبری نمی‌آید)

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم خاتم النبیین (مهر و آخر پیغمبران) است که بعد از بعثت وی بر سلسلهٔ انبیاء علیهم السلام مهر اختتام زده شده و بعد از آن هیچ کس به پیغمبری مبعوث نمی‌گردد.

از حضرت علی بن ابی طالب (رض) روایت است که

وی در صفت آنحضرت (ص) فرموده است : بین کتفیه خاتم النبوة و هو خاتم النبیین (دربین هردوشانهٔ آنحضرت (ص) مهر نبوت و او صلی الله علیه وسلم خاتم النبیین است) .

پس آنحضرت (ص) خاتم الانبیاء بوده و نبوت او تاروز قیامت دوام دارد . همچنین رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است[1] :
اَنَا العَاقِبُ وَالعَاقِبُ الَّذِیْ لَیْسَ بَعْدَهُ نَبِیٌّ (من آخر پیغمبران هستم وآخر پیغمبران کسیست که بعدازوی پیغمبر نیست) وحضرت مسیح (ع) که به نزول وی درزمان آخر وعده داده شده به حیث یک امتی آنحضرت (ص) خواهد بود . درحدیث است که "اگر موسیٰ (ع) زنده میبود و درمی یافت نبوت مرا هرآئینه پیروی می کرد مرا " . دین محمدی (ص) (دین اسلام) نزد خداوند (ج)

---

(۱) متفق علیه - مشکوة ، صفحه ۵۱۵ .

مقبول بوده و بعد از آمدن آن ادیان دیگر مدار اعتبار نمیباشند . چنانچه الله (ج)
فرموده است :

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ ۝

(ترجمه: و هر که طلب کند بجز اسلام دین دیگر را ، پس هرگز قبول نمیشود
از وی) . چون دین مقدس اسلام کاملترین ادیان میباشد
پس هیچ دین غیر از اسلام به نزد خداوند (ج) مقبول نیست .
چه بعد از طلوع خورشید جهانتاب ، چراغ سفالین را برافروختن ،
یا فروغ ستاره و لمعهٔ برق را جستن ، امری است بس بیهوده
و دور از دانش زیرا دورهٔ هدایت پیغمبران سابق سپری شده
و اکنون دور هدایت و نبوت آخرین و عالمگیر محمد (ص) است
که گنجینهٔ انوار الهی (ج) میباشد و تمام روشنی ها از آن
گرفته شده است . پس هر که از ختم نبوت انکار نماید قطعاً و یقیناً
کافر و از دین اسلام خارج است .

تمرین

۱ ـ آیت ختم نبوت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ ـ حضرت علی (رض) در صفت آنحضرت (ص) چه فرموده اند ؟

۳ ـ حضرت محمد (ص) در باره حضرت موسی (ع) چه فرموده اند ؟

٤ ـ آیا به نزد خدا (ج) بعد از بعثت آنحضرت (ص) کدام دین دیگر غیر از اسلام مقبول است ؟

۵ ـ اگر کسی از ختم نبوت انکار مینماید چه حکم دارد ؟

الله (ج) ، برای رهنمائی مردم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را پیغمبر فرستاده است تا ایشان را به ایمان وعبادت خداوند یگانه دعوت نماید .

وجود الله جل جلاله .

اَفِی اللّٰهِ شَکٌّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ (۱) .

ترجمه : آیا در "وجود" خدا شبه است ، آفریننده آسمانها و زمین .

درباره وجود الله (ج) از اعرابی در بادیه سوال شد که بچه شناسی وبچه دانی که عالم را صانعی هست؟ اعرابی در آن صحرا نظر کرد پس بدید بعرهای شتر را افگنده ونشان قدم رونده، گفت : اَلْبَعْرَةُ تَدُلُّ عَلَی الْبَعِیْرِ وَآثَارُ الْقَدَمِ تَدُلُّ عَلَی الْمَسِیْرِ فَهَیْکَلُ الْعُلْوِیُّ بِهٰذِهِ اللَّطَافَةِ وَهَیْکَلُ السُّفْلِیُّ بِهٰذِهِ الْکَثَافَةِ، اَلَا یَدُلَّانِ عَلَی الصَّانِعِ الْخَبِیْرِ ؟

---

(۱) سورة ابراهیم ، آیهٔ (۱۰) .

قرآنکریم (کتاب الله ج) از تحریف محفوظ است

قرآنکریم کتاب الله ج، بوده هیچگونه بطلان درآن راه نداشته وتا روز قیامت از تحریف مصئون ومحفوظ میباشد، چنانچه الله ج، فرموده است :

وَإِنَّهُ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٌ ۝ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۖ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ۝ (۱)

---

(۱) سورهٔ حم السجده، آیت هاے ۴۱، ۴۲ .

ترجمه: به تحقیق این (قرآنکریم) کتابی است گرامی (عزیز القدر) نمی آید بآن باطل از پیش روی آن و نه از عقب آن. فرستاده شده است از حکیم ستوده. همچنین خداوند (ج) فرموده است:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝ [1]

ترجمه: (هر آئینه ما فرو فرستادیم قرآن را و "هر آئینه" ما آنرا نگهبانیم).

اقوام و سلطنت ها نتوانسته و نه خواهند توانست که یک حرف و یا نقطهٔ از قرآنکریم را کم و یا زیاد کنند. قرآنکریم به چنان لطافت و طرز حیرت انگیزی تکمیل یافته است که چون اکابر متعصب و مخالفین مغرور آنرا بشنوند سر تسلیم فرود آورند.

---

(۱) سورهٔ الحجر آیهٔ ۹

« میور »[1] مینویسد (تا جائیکه معلومات داریم در سرتاسر جهان کتابی چون قرآن نیست که تا دوازده قرن از هر نوع تحریف پاک باشد .

از تاریخ واضح می گردد که در عصر جم غفیری از علمای کرام (که تعداد آنها فقط به خدا ، معلوم است) دائماً به حفاظت علوم و مطالب قرآن پرداخته اند خطاطان رسم الخط آنرا ، قاریان طرز ادای آنرا و حفاظ کلمات و عبارات آنرا چنان حفاظت کردند که از هنگام نزول قرآن تا امروز یک حرکت (کسره ، فتحه و یا ضمه) آن نیز تبدیل نشده است .

---

(۱) تفسیر کابلی ، در تفسیر آیهٔ (۹) سورهٔ الحجرات .

تمرین

۱ - آیت هائیراکه دربارهٔ محفوظ بودن قرآن بیاد دارید بخوانید وترجمه نمائید .

۲ - مبور دربارهٔ قرآنکریم چه گفته است ؟

۳ - حفاظ درحفاظت قرآنکریم چه خدمت کرده اند ؟

فضیلت صحابه کرام

رضی الله تعالی عنهم

وَالسّٰبِقُوْنَ الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِیْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِیْنَ اتَّبَعُوْهُمْ بِاِحْسَانٍ رَّضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ [1]

ترجمه : وسبقت کننده گان (بسوی نیکی) پیشینیان از مهاجرین وانصار وآنانیکه پیروی کردند ایشان را به نیکی، راضی شد الله از ایشان وراضی شدند ایشان از او .

صحابی : صحابی آن شخص را میگویند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

---

(۱) سورهٔ التوبه، آیهٔ (۱۰۰) .

را درحالت ایمان دیده و با ایمان وفات یافته باشد .

صحبت آنحضرت صلی الله علیه وسلم چیزیست بسیار بزرگ، ورتبهٔ اصحاب کرام دراین امت از همه مسلمانان بلندتراست ، کسیکه بقدر یک لمحه به صحبت رسول خدا مفتخر شده باشد، بزرگترین شخص بعد از صحابه (رض) با او در مرتبه برابر شده نمیتواند . دربین صحابهٔ کرام مقام خلفای اربعه (رض) از همه افضل و بهتر میباشد و ترتیب افضلیت در میان خلفای راشدین به ترتیب خلافت ایشان است یعنی ، افضل و بهترین این امت بعداز پیغمبر صلی الله علیه وسلم حضرت ابوبکرصدیق (رض) است ، پس از او حضرت عمر (رض) پس از او حضرت عثمان (رض) ، پس از او حضرت علی (رض) است .

ابومنصور بغدادی که از اکابر و پیشوایان مذهب امام شافعی (رح) است می گوید : اهل سنت والجماعت اجماع کرده اند بر اینکه افضلیت صحابه (رض) به ترتیب ذیل میباشد :

۱ - حضرت ابوبکر (رض)

۲ - حضرت عمر (رض)

۳ - حضرت عثمان (رض)

٤ - حضرت علی (رض)

۵ - باقی عشرۂ مبشره (رض)

٦ - باقی اهل بدر (رض)

۷ - باقی اهل اُحد (رض)

۸ - باقی اهل بیعت الرضوان

۹ - باقی صحابه رضوان الله علیهم اجمعین .

-

عشرۂ مبشره : آن ده تن از اصحاب کرام اند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ایشان را در یک حدیث مبارک خویش به جنت بشارت داده است .

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است[1] : ابوبکر در جنت است، عمر در جنت است، عثمان در جنت است، علی در جنت است، طلحه در جنت است، زبیر در جنت است، عبدالرحمن بن عوف در جنت است، سعد بن ابی وقاص در جنت است سعید بن زید در جنت است و ابوعبیده بن جراح در جنت است.

عدهٔ از اصحاب کرام (رض) بنام مهاجرین و عدهٔ بنام انصار یاد میشوند.

مهاجرین آن اصحاب گفته میشوند که وطن های خود را بخاطر رضای خدا و رسولش ترک گفته اند.

انصار آن اصحاب گفته میشوند که اهل مدینه منوره بودند و به آنحضرت صلی الله علیه وسلم و مهاجرین در مدینه منوره جای داده اند،

---

(۱) ترمذي ص ۲۱۵ جلد دوم.

و با مالها و نفسهای خود با یشان نصرت و مدد نمودند . خداوند (ج)
در باره مهاجرین و انصار فرموده است :

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ

ترجمه: راضی شد الله از ایشان و راضی شدند ایشان از او تعالی.

آنحضرت صلی الله علیه وسلم در بارهٔ پیروی از اصحاب کرام فرموده است :

اَصْحَابِيْ كَالنُّجُوْمِ فَبِأَيِّهِمْ اِقْتَدَيْتُمْ اِهْتَدَيْتُمْ .

اصحاب من مانند ستاره گان اند، پس از هر یکی از ایشان که پیروی کردید راه راست را یافتید .

امام اعظم (رح) در فقه اکبر فرموده اند :

وَلَا نَذْكُرُ اَحَدًا مِّنْ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلَّا بِالْخَيْرِ .

و یاد نمی کنیم هیچ کسی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم را مگر

به خیر و نیکوئی) پس به عقیدۂ اهل سنت و جماعت باید با تمام صحابه رضوان الله علیهم اجمعین محبت و دوستی داشته باشیم و همه ایشان را به خوبی و نیکوئی یاد نمائیم و هیچ فرد ایشان را بد نگوئیم . و اگر کسی صحابه (رض) را دشنام داد یا بدگوئی می کرد و ما آنرا شنیدیم باید در جواب آن بگوئیم :

لَعْنَةُ اللهِ علی شَرِّكُمْ

(لعنت خدا باشد بر شر شما) . چنانچه حدیث پیغمبر (ص) است :

إِذَا رَأَيْتُمُ الَّذِيْنَ يَسُبُّوْنَ اَصْحَابِىْ فَقُوْلُوْا لَعْنَةُ اللهِ عَلٰى شَرِّكُمْ

(وقتیکه دیدید کسانی را که دشنام میزنند اصحاب من را پس بگوئید لعنت خدا باشد بر شر شما) . رواه ترمذی .

(۱) یعنی پشقل شتر دلالت می کند بر شتر ، نشان‌های قدم دلالت میکند بر رونده ، پس آیا آسمان بلند با این لطافت و زیبائی و زمین پایان با این تیرگی دلالت نمی کند بر صانع (آفریننده) خبردارند ؟ بلکه دلالت می کند بر وجود ذات خدای خبیر که صانع اینهمه کائنات است .

الله تعالی واحد است شریک ندارد

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ۝ اَللّٰهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ ۝

ترجمه : بگو خدا یگانه است . خدا بی نیاز است . نه زاد کسی را و نه زاده شده از کسی و نیست او را همتا هیچ یکی .

الله تعالی (ج) واحد (یکی) است نه از روی عدد ، زیرا که خداوند (ج) نه معدود است و نه متعدد ، بلکه یکی است بمعنی اینکه در ذات وصفات خود شریک و نظیر و مثل ندارد .

واحد به دو معنی ذکر میشود : ۱ - واحد به معنی آنکه از آن عدد

---

(۱) از کتاب عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات .

تمرین

۱ ـ برای اثبات فضیلت اصحاب کرام یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ ـ صحابی را تعریف کنید .

۳ ـ در بین اصحاب کرام (رض) کدام صحابی از همه افضل و بهتر است ؟

٤ ـ عشره مبشره (رض) را نام بگیرید .

۵ ـ مهاجرین و انصار را تعریف نمائید .

٦ ـ اگر کسی صحابه را دشنام بدهد ما در جواب چه بگوئیم ؟

فضیلت ابوبکر صدیق رض

إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ . سورة التوبه آیه (۴۰)

ترجمه : اگر مدد نکنید اورا (رسول ص) را به تحقیق نصرت داده اورا الله هنگامیکه بیرون کشید اورا آنانیکه کافر بودند در حالیکه دوم تن از دو بود آنگاه که این دو کس در غار بودند .

اسم ابوبکر صدیق(۱) قبل از اسلام عبدالکعبه بود و بعد از اسلام آنحضرت صلی الله علیه وسلم نامش را عبدالله نهاد و به لقب صدیق و عتیق اورا ملقب

---

(۱) النبراس ص ٤٨٥ .

کرد. حضرت ابوبکر صدیق (رض) بعد از تمام پیغمبران علیهم السلام بهترین مردم است. حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اندکه[1]:

(آفتاب بعد از انبیاء و مرسلین (ع) بر هیچ فردی که از ابوبکر صدیق بهتر باشد طلوع وغروب نکرده است.) همچنین پیغمبر صلی الله علیه وسلم در حدیث دیگر فرموده است:

(مَا صَبَّ اللهُ فِی صَدْرِی شَیْئًا اِلَّا صَبَبْتُه فی صَدْرِ اَبِی بَکْرٍ) [2]

یعنی نه انداخته است خدا (ج) در سینه من چیزی را مگر انداخته ام آنرا در سینهٔ ابوبکر (رض)، که مراد از آن علوم ومعارف است.

همچنین حضرت عمر فاروق (رض) فرموده است: (ابوبکر (رض)

---

(۱) ابو المنتهی ص ۵۷.

(۲) الحاوی للفتاوی تصنیف جلال الدین سیوطی (رح) ص ۴۲ ج ۲.

سردار[1] و بهتر ما و به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم محبوب تر ماست.

همچنین از ابو هریره (رض) روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده اند[2]: ابو بکر و عمر بهتر از اولین و آخرین و بهتر از اهل آسمانها و زمین ها اند بعد از انبیاء و مرسلین (ع). و همچنین وقتیکه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به امر خداوند (ج) از مکه معظمه به مدینه منوره هجرت مینمودند حضرت ابوبکر صدیق[3] (رض) با وی همراه بود و در غار ثور مسکن گزیدند. این غار چند میل دور از مکه معظمه در کمر کوه بلندی که راه دشوار داشت و جز به خزیدن کسی در آن داخل شده نه میتوانست قرار داشت. نخست ابوبکر صدیق (رض) داخل غار

---

(۱) مشکوة شریف ص ۵۵۵ .

(۲) النبراس ص ۴۴۸ .

(۳) از تفسیر کابلی در تفسیر آیهٔ مذکور .

گردیده سوراخ های آنرا با پارچه های جامهٔ خویش بند نمود تا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از ضرر گزندگان مأمون باشد، مگر یک سوراخ باقی ماند که بر آن پای خود را گذاشت، بعداً آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بدرون غار دعوت نمودند. پیغمبر (ص) سرش را بر زانوی حضرت ابوبکر صدیق (رض) گذاشت و آرام کرد. درین اثنا ماری پای حضرت ابوبکر صدیق (رض) را گزید، امّا وی (رض) نجنبید تا آرامش پیغمبر (ص) را مختل نسازد. وقتیکه حضرت پیغمبر (ص) آگاه گردید از لعاب دهن مبارک شان بر محل گزیدگی نثار کرد که در حال درد رفع و شفا حاصل شد.

رسول خدا (ص) سه روز را در غار ثور با حضرت ابوبکر (رض) گذراندند و آنگاه قصد مدینه کرد و بسلامت به آنجا رسیدند. قرآنکریم[1]

---

(۱) از کتاب سیرت خلفاء راشدین تألیف علامه فاروقی لکهنوی (رح)، ترجمه محمد یوسف حسین پور.

ذکر حضرت ابوبکر صدیق (رض) را درین سفر هجرت با اعزاز خاص بیان نموده است ونیز حضرت رسولکریم (ص) این خدمت اورا بار بار یاد آوری مینمودند، چنانچه فرموده اند :

حَمَلَنِیْ اِلٰی دَارِ الْهِجْرَةِ (یعنی ابوبکر مرا بر شتر سوار کرده به مدینه منوره رسانید) . درمیان صحابه کرام (رض) شهرت جانثاری و فدا کاری صدیق (رض) زیاد بود، مردم احوال این سفر را از حضرت صدیق (رض)، دریافت می کردند و در سخنرانی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم پنج روز قبل از وفات ایراد فرمودند، چنین آمده است که : هرکسی بر ما هر نوع احسان کرده مکافات وعوض اورا ادا نموده ایم مگر حضرت ابوبکر صدیق (رض)، که خداوند (ج)، عوض خدمات اورا در روز قیامت خواهد داد .

حضرت عمر (رض) درعهد خلافت خود می فرمودند که : اگر حضرت ابوبکر (رض)، فقط خدمت یک شب غار ویا قتال مرتدین را به من داده و تمام اعمال

عمر مرا بگیرد باز هم مفاد من زیادتر خواهد بود .

تمرین

۱ - اسم حضرت ابوبکر (رض) قبل از اسلام و بعد از اسلام چه بود بیان نمائید .

۲ - بهترین مردم بعد از پیغمبران علیهم السلام کیست ؟

۳ - برای اثبات فضیلت ابوبکر صدیق (رض) یک حدیث شریف را بیان نمائید .

٤ - قصه غار ثور را بیان کنید .

٥ - قرآنکریم ذکر حضرت ابوبکر صدیق (رض) را در سفر هجرت چطور بیان نموده است ؟

فضیلت حضرت عمر فاروق (رض)

اسم مبارکش عمر و لقبش فاروق و کنیتش ابو حفص[1] میباشد. در نسب با آنحضرت (ص)، در کعب بن لوی وصل می گردد. بهترین مردم بعد از پیغمبران علیهم السلام و پس از حضرت ابوبکر (رض)، حضرت عمر (رض) است.

از حضرت ابوسعید خدری (رض)، روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

نیست هیچ پیغمبر مگر اینکه برای او دو وزیر از اهل آسمان و دو وزیر از اهل زمین اند.

---

(۱) در لغت به معنی اسد (شیر) مرقات شرح مشکوه ص ۳۹ .

پس دو وزیر من از اهل آسمان جبرئیل و میکائیل (ع) و دو وزیر من از اهل زمین ابوبکر و عمر (رض) میباشند.

همچنین[1] روایت شده که یک منافق با یک یهودی خصومت و نزاع داشت. یهودی میخواست خصومت شانرا حضرت پیغمبر (ص) فیصله نماید و منافق، چون بناحق دعوی کرده بود، می خواست موضوع راکعب بن اشرف که سردار یهود بود فیصله کند. اخیراً هر دو حضرت پیغمبر (ص) را حکم تعین نمودند حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم بعد از علم آوری به نفع یهودی فیصله نمود منافق باین فیصله قانع نشده خواست دعوی ایشانرا حضرت عمر (رض) فیصله کند، زیرا تصور میکرد که حضرت عمر (رض) بنا بر دعوی اسلامش وی را بر یهودی مقدم خواهد داشت، پس هر دو بخدمت حضرت عمر (رض)، که در آنوقت به امر پیغمبر صلی الله علیه وسلم

---

(1) ابوالمنتهی، تفسیر کابلی والنبراس.

در مدینه منوره به فیصلهٔ منازعات بین مردم می پرداخت آمدند ، حضرت عمر (رض) صورت دعوی را شنید: یهودی گفت این دعوی را که به حضور پیغمبر صلی الله علیه وسلم تقدیم کردیم او به نفع من فیصله نمود ولی این شخص به آن راضی نگردیده و نزد شما آمد . حضرت عمر (رض) گفت آیا چنین است ؟ گفت : بلی . عمر (رض) فرمود : تا برآمدن من از خانه اینجا باشید . همین بود که لحظهٔ بعد حضرت عمر (رض) شمشیر را گرفته برآمد و گردن منافق را زده سرش را از تن جدا کرد و گفت : این فیصلهٔ من است برای کسیکه فیصلهٔ خداوند (ج) و رسول (ص) را قبول نکند . پس جبرئیل گفت حضرت عمر (رض) فرق حق و باطل را نمود و از آن روز به لقب فاروق نائل گردید .

همچنین پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده است[1] : هر آئینه خداوند حق را بر زبان و قلب عمر قایم نموده است .

---

(۱) مشکوة شریف ص ۵۵۷ .

شروع میشود و دو نصف میباشد .

۲ - واحد به معنی آنکه شریک ، نظیر ، مثل ندارد و یگانه است . و در اینجا مراد معنی دوم است چنانچه گفته شده پس الله تعالی (ج) ذات یگانه ایست که ذات پاک وی هیچ نوع تعدد و شرکت را قبول نمی کند و هیچکس با ذات وی مماثل و شبیه نیست .

خداوند ج ، ذاتی است که همه مخلوقات باو محتاج و نیازمند اند . و او را بکسی نیاز نیست . وی ذاتی است که شریک ندارد و از تمام عیوب و نواقص پاک و منزه است . نه کسی اولاد اوست و نه وی اولاد کسیست .

پس نصاری که عیسی (ع) را ، و یهود که عُزَیر (ع) را فرزندان خدا (ج) می گویند ، و مشرکین عرب که فرشتگان را دختران خدا (ج) میخوانند همه کذب بوده حقیقت ندارد .

در حدیث دیگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده[1] است که : اگر بعداز من پیغمبری مبعوث می شد هرآئینه آن عمر بن الخطاب میبود . از حضرت علی (رض) روایت است که او فرموده[2] است بهترین مردم بعداز نبی علیه السلام ابوبکر است، پس از او عمر و پس از او مرد دیگر (عثمان (رض)) میباشد .

---

(۱) مشکوة شریف ص۵۵۸ .

(۲) بخاری شریف .

تمرین

۱ - اسم ولقب حضرت عمر (رض) را بگوئید .

۲ - بهترین مردم بعداز پیغمبران علیهم السلام و بعداز حضرت ابوبکر (رض) کیست ؟

۳ - قصه نزاع منافق ویهودی را بیان کنید .

٤ - برای اثبات فضیلت عمر (رض) یک حدیث شریف را بیان کنید .

بعضی علامات روز

قیامت

فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ
أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ۝ (1)

ترجمه: پس انتظار نمیبرند مگر قیامت را که بیاید بایشان ناگهان پس هر آئینه
آمده است علامات آن پس کجا باشد برای ایشان پند گرفتن ایشان چون
بیاید بایشان قیامت .

تفسیر کابلی ذکر نموده که حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد :

---

(1) در تفسیر آیهٔ ۱۸ سورهٔ محمد .

علامهٔ بزرگ قیامت بعثت نبی ما است همه انبیاء انتظار بعثت خاتم النبیین را داشتند .

حضرت حذیفه بن اسید الغفاری فرموده است که[1] : تشریف آورد پیغمبر صلی الله علیه وسلم ، در حالیکه ما بین خود مباحثه داشتیم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند :

در بارهٔ چه موضوع مباحثه داشتید ؟ گفتیم در بارهٔ قیامت . حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : قیامت قائم نمیگردد تا قبل از آن ده علامات را ببینید که عبارت اند از : ۱ - دخان (دود) ۲ - ظهور دجال ۳ دابة الأرض ٤ - طلوع آفتاب از جانب مغرب ٥ - نزول حضرت عیسیٰ بن مریم علیه السلام ٦ - برآمدن یأجوج مأجوج ۷ و سه خسوف که یکی در

---

(۱) مشکوة شریف ص ٤٧٢ ، والنبراس ص ٥٨٨ .

مشرق ۸- دوم در مغرب ۹ - و سوم در جزیرة العرب تحقق می یابد، و علامه دهم آتشی است که از یمن بیرون اید و مردم را بسوی محشر براند.

این حدیث را مسلم شریف روایت کرده است..

تمرین

۱ - برای اثبات علامات قیامت یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید.

۲ - آخرین علامهٔ قیامت را نام بگیرید.

۳ - علامات قیامت را که در حدیث شریف خوانده اید بیان کنید.

اجتهاد

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ۝ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ج. سورة الانبياء آیه (۷۸، ۷۹)

ترجمه :

(یاد کن) داؤد و سلیمان را چون حکم می کردند در (نزاع) کشت چون چرید در آن رمهٔ قومی و بودیم بر فیصلهٔ ایشان حاضر (آگاه) پس فهمانديم طريق فيصله كردن خصومت را به سليمان. ما ایمان و عقیده داریم که مشروعیت اجتهاد به قرآن و حدیث ثابت است و مجتهدین اسلام برای دین و مسلمانها خدمات فراموش ناشدنی کرده اند، ما به

همه ایشان احترام ومحبت داریم و برای ایشان از بارگاه خداوند اجر عظیم میخواهیم .

تعریف اجتهاد : اجتهاد در لغت[1] بمعنی صرف کردن وسع وطاقت است در طلب مقصود . ودر اصطلاح شرع عبارت است از آنکه ؛ فقیه قوای فکری ونظری خویش را بجدیتهائی در استخراج حکم شرعی بکار اندازد .

شروط عمدهٔ اجتهاد عبارت انداز :

۱ - مجتهد باید به علوم قرآنکریم با معانی لغوی وشرعی واقسام کلام الله مهارت وعلمیت کامل داشته کم از کم معرفت پنجصد آیت احکام را حاصل نموده باشد .

---

(۱) استفاده از النبراس ص ۵۸۹ حاشیه ۳ . نور الأنوار ص ۲٤٦ حاشیه ۵ واصول شاشی ص ۸۱ حاشیه ۷ .

۲ - دارای زهد وتقوی کامل باشد .

۳ - درعلم حدیث (پیغمبر صلی الله علیه وسلم) باقسام وفنون آن کاملاً عالم و وارد باشد و اقلاً باسه هزار احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم که به احکام تعلق دارد معرفت داشته باشد .

٤ - به طرق استنباط واستخراج احکام ازقرآن وحدیث مهارت وعلمیت داشته باشد .

٥ - قیاس را باقسام وشرائط آن بشناسد و از مسائلیکه در آن اجماع صورت گرفته باشد باخبر باشد .

٦ - برعلم لغت ، صرف ونحو کاملاً تسلط داشته باشد .

حکم اجتهاد : حکم اجتهاد یافتن حکم شرعی است به اعتبار گمان غالب (وقتیکه مجتهد درمسئله اجتهاد کرد و حکم آنرا استنباط

نموده، پس گمان غالب این است که وی به حق رسیده است.
به نزد علمای اهل سنت مجتهد بعضی اوقات در اجتهاد خویش مصیب (به حق میرسد) وبعضی اوقات مخطی میباشد. هرگاه مجتهدین در مسئلهٔ اختلاف نموده باشند حق به نزد خداوند (ج) در آن یک حکم معین میباشد، که بصورت یقینی به ما معلوم نبوده، عمل بر آن نظریه گمان غالب در حرکات یکی از مذاهب چارگانه صورت میگیرد. وحق در بین مذاهب چارگانه دائر میباشد.

ازین جهت[1] ما به حقانیت مذاهب اربعه (حنفی، شافعی مالکی وحنبلی) عقیده واقرار مینمائیم. برای مجتهد درصورتیکه مصیب باشد دو اجر ودرصورتیکه مخطی باشد یک اجر است، چنانچه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده اند: هرگاه حاکم بمقصد حکم کردن اجتهاد

---

(1) نورالأنوار ص ٢٤٦.

نماید و در آن مصیب گردد، اورا دو اجراست (اجر اجتهاد وأجر رسیدن به حق) و درصورتیکه در اجتهاد خود مخطی باشد مستحق یک اجر یعنی اجر اجتهاد میباشد.[1]

تمرین

۱ - اجتهاد را تعریف نمائید .

۲ - شرط رسیدن شخص بدرجهٔ اجتهاد چیست ؟

۳ - حکم اجتهاد را بگوئید .

٤ - در مورد اجر مجتهد مصیب و مخطئ معلومات دهید .

---

(۱) مشکوة شریف ص ۳۲٤ .

تمرین

۱ - تعریف و موضوع علم عقاید را بیان کنید .

۲ - غرض علم عقاید را بیان نمائید .

۳ - اولین چیزیکه انسان مکلف است برآن ایمان داشته باشد عبارت از چیست ؟

٤ - درباره وجود الله (ج) ، آیتی راکه خوانده اید قرائت و ترجمه نمائید .

۵ - درباره وجود الله (ج) ، قصه اعرابی را بیان کنید .

٦ - واحد چند معنی دارد و خداوند (ج) ، بکدام معنی واحد است ؟

امامان و مجتهدین مشهور

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ۝ سورة الاسراء آیه (۷۱)

ترجمه :

روزیکه بخوانیم هر فرقه را با پیشوای ایشان . یعنی هر کس در روز قیامت[1] با چیزی محشور می گردد که در دنیا به پیروی و متابعت آن میپرداخت. مثلاً مؤمنان با انبیاء ، کتاب ها و رهبران دینی ، و کفار با رهزنان خود که عبارت از شیاطین و معبودان باطل ایشان اند حشر

---

(۱) تفسیر کابلی در تفسیر ایهٔ (۷۱) سوره الاسراء .

میشوند .

امامان مجتهدین مشهور عبارت اند از :

امام اعظم ابوحنیفه (رح) ، امام مالک (رح) امام شافعی (رح) ، وامام احمد بن حنبل (رح) که بزرگواران وپیشوایان مذاهب اربعه هستند و به اجماع امت محمد صلی الله علیه وسلم حصر مذاهب[1] درهمین چهار مذهب ثابت گردیده و هرکدام دارای پیروان وشاگردان زیاد پیدا شد که اقوال ایشانرا به طریق موثق حفظ ونقل و درکتب تدوین نموده اند .

پیروان این مذاهب یکدیگر را طعن نگفته بگمراهی وفسق نسبت نه میدهند . اتباع هرمذهب امام خود را متابعت می کنند . زیراکه برهر شخص متابعت[2] مذهب امام خودش لازم است .

---

(۱) نورالانوار ص ۲۲۳ مبحث الاجماع .

(۲) چنانچه در درالمختار ذکر است : وان الرجوع عن التقلید بعد العمل باطل اتفاقاً - ج-اول ص ۵۵ و شاه ولی الله در انصاف مینویسد وکان هذا هو الواجب فی ذالک الزمان .

ناگفته نماند که در جهان اسلام عده زیادی از مسلمانان پیرو مذهب امام ابوحنیفه (رح) اند، زیرا که وی بر سه امام[1] دیگر فضیلت و قدامت دارد چنانچه ملا علی قاری در شرح فقه اکبر فرموده اند:

حاصل سخن[2] این است که تابعین بعد از صحابه (رض) بهترین امت اند. چنانچه حضرت پیغمبر علیه الصلوة والسلام فرموده:

(بهترین اهل زمانه ها اهل زمانهٔ من است و بعد از آن کسانیکه به زمانهٔ من نزدیک اند) پس عقیده می نمائیم که امام اعظم ابوحنیفه (رح) بهترین أئمه مجتهدین و کاملترین فقها در علوم دین است. و بعد از وی امام مالک (رح) که از اتباع تابعین است و بعد از وی امام شافعی (رح) که شاگرد امام مالک (رح) بلکه شاگرد امام محمد (رح) میباشد، و بعد از وی امام احمد بن حنبل (رح) میباشد که او مثل شاگرد امام شافعی (رح) است.

---

(۱) امام مالک (رح)، امام شافعی (رح) و امام احمد بن حنبل (رح).

(۲) شرح فقه اکبر ملا علی قاری ص ۱۴۶.

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع دطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی سلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طورد یه و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی بادرنظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و درعین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی باجهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه باطاغوطیان زمان براساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند (ج) می باشد .

((وَمِنَ اللهِ التَّوفِيقَ))



سال طبع حمل ١٣٦٩ تعداد طبع (١٠٠٠٠)

مدیریت نصاب مرکز تعلیمی

تمرین

۱ - آیت ذیل را ترجمه نموده در بارهٔ آن معلومات خود را بگوئید:

یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِم

۲ - نام های امامان و مجتهدین مشهور را بیان کنید.

۳ - در جهان اسلام کدام یکی از مذاهب پیروان زیاد دارد ؟

۴ - بهترین ائمهٔ مجتهدین و کاملترین فقها درعلوم کیست ؟

ایمان به ملائکه

مؤمن به دوم که انسان برآن مکلف است ایمان به ملائکه و فرشتگان میباشد باید انسان عقیده داشته باشد که در مخلوقات خداوند تعالی یکنوع مخلوقیست که آنرا ملائکه میگویند .

تعریف ملائیک : ملائک اجسام نورانی ولطیفی اند که بأشکال مختلفه متشکل شده میتوانند واز نظر ما غائب بوده به ذکورت و أنوثت ، متصف نمیشوند .

ملائکه و فرشتگان از بندگان نیک خدا (ج) ، اند که هرگز نافرمانی امر خداوند تعالی را نمی کنند و در اجرای احکام خداوندی هیچ نوع سستی وخستگی نداشته ، از امتثال اوامر خداوند (ج) عاجز نیستند . چنانچه خداوند (ج) فرموده است :

بَل عِبادٌ مُکرَمُونَ لایسبقونه بالقول وَهُم بأَمرِهِ ـــ

يَعْمَلُونَ ۝ (۱)

ترجمه: لیکن بندگانند معزز پیشدستی نمی کنند بر خدا به هیچ سخن و ایشان به فرمان وی کار می کنند بعضی فرشتگان پیغام خداوند را به پیغمبران (ع) می آرند و بعضی به تدبیر و تنظیم نظام های جسمانی و روحانی مامور اند.

مشرکین ملائکه را دختران خداوند (ج) می دانند، چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم از آن خبر داده و آنرا رد نموده است:

وَيَجْعَلُونَ لِلّٰهِ الْبَنَاتِ سُبْحٰنَهُ وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ ۝ (۲)

ترجمه: و مقرر می کنند برای خدا دختران را، پاک است او، و مقرر میکنند برای خویش آنچه رغبت می نمایند.

خداوند (ج)، از نسبت ولد، پسر باشد یا دختر، بری و پاک است. تعجب است که مشرکین به او تعالی نسبت داشتن دختران را میکنند

(۱) سورهٔ الأنبیا آیت های (۲٦، ۲۷)

(۲) سورهٔ النحل آیه (۵۷)

یک پروگرام تعلیمی بهتر که با سائر موازین علمی و اساسات تعلیمی تطابق داشته باشد فراموش نموده کما فی السابق در تهیه و تدوین کتب درسی با استفاده از پروگرام های تعلیمی سائر تنظیمهای جهادی سعی بلیغ بخرج داده است.

مرکز تعلیمی افغانستان وظیفهٔ خود میداند تا از استادان دانشمند و سائر کارکنان محترم مدیریت نصاب تعلیمی که در بوجود آوردن یک نصاب تعلیمی اسلامی موحد، و مطابق با موازین علمی از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نورزیده اند ابراز امتنان و تشکر نموده موفقیت مزیدشانرا درراه خدمت به علم و معارف کشور آرزو مینماید.

امیدواریم نسل جوان و آینده کشور در نتیجهٔ راهنمائی های خردمندانه و عالمانهٔ استادان فاضل مدارس کشور از آن استفادهٔ اعظمی نموده، تا برای افغانستان نوین که یک افغانستان اسلامی آزاد، آباد و پیشرفته خواهد بود عضو مفید بار آیند.

ومن الله التوفیق

مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست

دولت اسلامی افغانستان

وزارت تعلیم و تربیه



مرکز تعلیمی افغانستان

مدیریت نصاب

عقاید

برای صنف هشتم

مؤلف : مولوی غلام عیسی


لا إله إلا الله محمد رسول الله

عقاید شریف

برای صنف هشتم

مؤلف : مولوی غلام عیسی

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

رَبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا

قَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

فرموده است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

رَضِيْتُ

راضی هستم

بِاللّٰهِ رَبًّا وَّ

که الله پروردگار ما است و

بِالْإِسْلَامِ دِيْنًا وَّ

اسلام دین ما است و

بِمُحَمَّدٍ نَّبِيًّا وَّرَسُوْلًا

محمد صلی الله علیه وسلم نبی و رسول ما است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی خلق الانسان وجعله اکرم الخلائق بالعلم و الکرم وجعل امة محمد «ص» خیر الامم وامرهم بالدعوة و الارشاد و الجهاد المعظم و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء ومعلم البشر وعلی اله واصحابه اجمعین.

اما بعد :

از بدو آغاز جهاد مقدس اسلامی در کشور ، استادان ، علماء و دانشمندان ما توجه جدی خویش را در ساحات مختلف رشد فرهنگ اسلامی ، تحقق اهداف علمی شاگردان معارف و استفاده از مزایای علم و دانش مبذول داشته و با نیز تتبع با وصف شرایط ضیق ، ووضع ناگوار مهاجرت باثبات رسانیدند که ملت غیور و قهرمان افغانستان توانسته است مبارزه شمشیر وقلم هر دو را پهلوی هم در طول یازده سال گذشته ادامه دهند .

مرکز تعلیمی افغانستان که پرسونل و کارکنان آنرا اشخاص ورزیده ولایق تنظیمهای محترم مختلف جهادی تشکیل میدهد بنوبۀ خود کوشیده است تا پروگرام درسی مدارس داخل کشور را با معیار های علمی وشرایط کنونی عیار نموده کتب درسی مرحلۀ ابتدائیه ومحتویات آنرا با استفاده از میتود های قبول شده تعلیمی تهیه وبمعرض تطبیق قرار دهند . واکنون - که بفضل خداوند متعال تهیه وطبع کتب درسی مرحلۀ ابتدائیه به اتمام رسیده وبیاری خداوند بزرگ مرحلۀ متوسط وثانوی را آغاز مینماید ، باز هم وظیفۀ علمی خود را در تهیه -